

## تأثیر دینداری بر اعتماد سیاسی در جمهوری اسلامی ایران

سیده معصومه فهندژسعدی<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۱/۲۵

### چکیده

اعتماد یکی از جنبه‌های مهم روابط انسانی و زمینه‌ساز همکاری میان اعضای جامعه است. یکی از انواع اعتماد، اعتماد سیاسی است که به رابطه مردم و دولت می‌پردازد. مردم برای رفع نیازهای خود به‌خصوص برای تأمین امنیت و آسایش و مشارکت در امور جامعه، نیاز به ارتباط با حاکمیت دارند. این نیاز با پیشرفته‌تر شدن جوامع و افزایش تقسیم کار و گسترش نظام‌های انتزاعی روزبه‌روز بیش‌تر می‌شود، به‌نحوی که امروزه جدایی کامل از نظام سیاسی غیرممکن می‌باشد. از جمله عوامل مؤثر بر اعتماد سیاسی که در تئوری‌های جامعه‌شناسان کلاسیک و معاصر و نظریه‌پردازان سرمایه اجتماعی بر آن تأکید شده است، دین می‌باشد. این عامل در ایران که حکومت دینی برقرار است و دخالت دین در سیاست واضح و آشکار است، بیش‌تر قابل بررسی می‌باشد. گیدنز تأثیر دین بر اعتماد سیاسی را از ویژگی‌های جوامع سنتی می‌داند و تعهدات دینی مسئولان در جوامع سنتی، عملکرد نقاط تماس، اعتماد بنیادی و تلاش دولت برای تأمین رفاه اجتماعی - اقتصادی مردم را از دیگر عوامل تأثیرگذار بر اعتماد سیاسی ذکر می‌کند. ماکس وبر نیز دین، ارزش‌ها و جهان بینی افراد را الهام بخش رفتار آنان می‌داند. از نظر وبر دین می‌تواند بر شبکه‌ی اعتماد در بین افراد اثر مثبت گذاشته که برای روابط و مبادله‌ی اقتصادی لازم و ضروری است. هدف این مقاله بررسی تأثیر میزان دینداری بر اعتماد سیاسی در جمهوری اسلامی ایران می‌باشد که با روش تحلیل ثانویه به این نتیجه رسیده- ایم که هرچه افراد سنتی‌تر و میزان دینداری آن‌ها بیش‌تر باشد، به همان نسبت، میزان اعتماد سیاسی‌شان نیز افزایش می‌یابد.

**کلید واژه‌ها:** اعتماد، اعتماد سیاسی، دینداری، اعتماد بنیادی، اعتماد انتزاعی.

**استناد فارسی (شیوه‌ی APA، ویرایش ششم، ۲۰۱۰؛ شیوه‌ی APSA)**

فهندژسعدی، سیده معصومه (۱۴۰۱). «تأثیر دینداری بر اعتماد سیاسی در جمهوری اسلامی ایران». پژوهشنامه تاریخ، سیاست و رسانه، سال پنجم، شماره‌ی دوم، پیاپی ۱۸، صص ۱۲۸-۱۰۵.

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی شهرضا، شهرضا، ایران. ایمیل: s.m.fahandezh2011@gmail.com  
کپی‌رایت © ۲۰۱۰، ایسک (اندیشکده مطالعات راهبردی کریمه شیراز). این متن، مقاله‌ای برای دسترسی آزاد است که با توجه به استاندارد بین‌المللی (Creative Commons Attribution) CCA نسخه 4.0 توزیع شده است و به دیگران اجازه می‌دهد این اثر را با رعایت شرایط، آن را با دیگران به اشتراک بگذارند و مطالب را اقتباس کنند.

## ۱. مقدمه

اعتماد<sup>۱</sup> بستر تعاملات و روابط اجتماعی و کانون اصلی مفهوم سرمایه اجتماعی است. ایجاد ارتباط و تعامل پایدار اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی، تا حد زیادی به اعتماد و میزان آن در جامعه بستگی دارد. یکی از انواع ارتباط و تعامل در جوامع، ارتباط بین مردم و حاکمیت است. مردم برای رفع نیازهای خود خصوصاً برای تأمین امنیت و آسایش و مشارکت در امور جامعه، نیاز به ارتباط با حاکمیت و ساختار سیاسی دارند. این نیاز، با پیشرفته‌تر شدن جوامع و افزایش روند تقسیم کار و گسترش نظام‌های انتزاعی، روز به روز بیش‌تر می‌شود.

عوامل متعددی بر افزایش یا کاهش «اعتماد سیاسی»<sup>۲</sup> تأثیر می‌گذارند که از آن جمله می‌توان به مفهوم «دین» اشاره نمود. دین در نظریه‌های جامعه‌شناسان کلاسیک به‌عنوان عامل مهم تأثیرگذار بر اعتماد مطرح بوده است. دین با آموزه‌های خود و تعالیمی که به پیروان می‌دهد و ارزش‌هایی که مطرح می‌کند و هم‌چنین پاداش و تنبیه‌هایی که برای اعمال نیک و بد در نظر می‌گیرد، می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در تمام امور از جمله در افزایش یا کاهش اعتماد سیاسی داشته باشد. ما در این مقاله به دنبال پاسخی برای این پرسش می‌باشیم که «دینداری چه تأثیری بر اعتماد سیاسی در جمهوری اسلامی ایران دارد؟» و فرضیه ما نیز این است که دینداری منجر به افزایش اعتماد سیاسی در جمهوری اسلامی ایران شده است.

## ۲. مفهوم‌شناسی

### ۲-۱. تعریف اعتماد

به عقیده وین استوک، صرف این‌که اشخاص در جامعه در کنار هم زندگی می‌کنند، به یکدیگر احترام می‌گذارند و شاید رفتاری خیرخواهانه یا حداقل غیر بدخواهانه نسبت به یکدیگر دارند، ناشی از نوعی اعتماد سطحی بین افراد است. اما ارزش کارکردی و سودمند اعتماد در جلوگیری از به خطر افتادن روابط اجتماعی ظاهر می‌شود. به عبارت دیگر، شرط لازم برای پیشگیری از هرج و مرج و فلج شدن جامعه، تحکیم حس اعتماد در میان مردم است (Sabint.k, 2004: 644). در فضای مبتنی بر اعتماد، ابزارهایی چون زور و اجبار کارآیی خود را از دست می‌دهند و رضایت‌جانشین اجبار می‌شود که این یکی از اهداف مهمی است که نخبگان و اداره‌کنندگان جامعه در پی دستیابی به آن هستند. از این رو، اعتماد یک احتمال عقلانی است که بر پایه‌ی آن یک کنشگر در رابطه با دیگر گروه‌ها، رفتار آن‌ها را قبل از وقوع، پیش‌بینی؛ و فعالیت خود را بر اساس آن طراحی می‌کند.

1. Trust

2. Political trust

## ۲-۲. فضای مفهومی اعتماد سیاسی

اعتماد سیاسی از نظر سیتیرین به احساس مردم در مورد سیاستمداران و خطمشی‌های آنان باز می‌گردد. لیپست و اشنایدر هم اطمینان سیاسی را به رهبران سیاسی محدود می‌دانند و مدعی‌اند هرگاه مردم تصور کنند که سیاستمداران فقط به فکر منافع خود هستند، اطمینان به دولت کاهش پیدا می‌کند (به نقل از حیدری، ۱۳۸۷: ۹). بریتزر ابعاد اعتماد سیاسی را در طیفی وسیع بین اعتماد سیاسی عام (انتزاعی) تا اعتماد سیاسی خاص (به هم پیوسته) در نظر گرفت که شامل سه بعد اعتماد سیاسی است. این سه بعد عبارتند از میزان اعتقاد (باور یا اطمینان) افراد به سیستم یا نظام سیاسی، میزان اعتقاد آنان به کارگزاران فعال در نظام سیاسی و میزان اعتقاد آنان به نهادهای سیاسی می‌باشد (شایگان، ۱۳۸۶: ۲۸).

## ۲-۳. تعریف اعتماد سیاسی

استون اعتماد سیاسی را مجموعه‌ای از نگرش‌های مثبت نسبت به موضوعات سیاسی می‌داند که این موضوعات هم به رژیم سیاسی و هم متصدیان اقتدار در جامعه برمی‌گردد. در واقع اعتماد سیاسی شکلی از حمایت از رژیم سیاسی و صاحبان اقتدار سیاسی است (Gabrialt, 1995: 360). نوریس هم در تعریف اعتماد سیاسی به پنج شاخصه پرداخته است که عبارتند از:

- ۱- حمایت از اجتماع سیاسی مثل ملت و کشور (حمایت از کشور در زمان جنگ)
- ۲- حمایت از قانون اساسی کشور
- ۳- حمایت از امور اجرایی رژیم مثل دموکراسی
- ۴- حمایت از نهادهای رژیم مثل حکومت، پارلمان، قوه قضائیه، پلیس، سیستم بروکراسی، احزاب سیاسی و ...
- ۵- حمایت از کنشگران سیاسی و رؤسای سیاسی و اجرایی

آنتونی گیدنز بحث اعتماد را در بستر تفاوت بین مدرنیسم و سنت بیان می‌کند و بر این اساس مبنای اعتماد را در جوامع توضیح می‌دهد. گیدنز سه سرچشمه پویایی مدرنیت را «جدایی زمان و مکان»، «تحول مکانیسم‌های از جاکندگی» و «تخصیص باز اندیشانه دانش» می‌داند و در تمام بحث‌های خود از اعتماد، این سه اصل را مورد توجه قرار می‌دهد. گیدنز برای تعریف اعتماد، ابتدا عناصر دخیل در تعریف را برمی‌شمرد، سپس بر اساس آن، به تعریف اعتماد سیاسی می‌پردازد. از جمله این عناصر عبارتند از:

- ۱- اعتماد، به غیبت مکان و زمان ارتباط دارد. یعنی زمانی که اطلاعات کافی از کسی یا نظامی نداریم، در واقع وقتی فعالیت‌های کسی پیوسته در معرض دید باشد یا نظامی که عملکردهایش کاملاً شناخته شده و فهمیده شده است، دیگر نیازی به اعتماد ندارد.
  - ۲- اعتماد، اساساً به احتمال وابسته است و بر پیامدهای محتمل دلالت می‌کند و فرقی نمی‌کند این پیامدها به کنش‌های افراد ارتباط داشته یا به عملکرد نظام‌ها مربوط باشد.
  - ۳- اعتماد چیزی است که از ایمان و اعتمادپذیری یک شخص یا نظام سرچشمه می‌گیرد.
  - ۴- اعتماد می‌تواند معطوف به نشانه‌های نمادین یا تخصصی باشد. البته اعتماد به اشخاص همیشه تا اندازه‌ای به اعتماد به نظام‌ها ربط دارد؛ اما این اعتماد به درک افراد از کارکرد شایسته‌ی نظام‌ها مربوط است نه به عملکرد واقعی‌شان.
  - ۵- مخاطره و اعتماد در هم بافته‌اند و اعتماد معمولاً در خدمت تقلیل یا تخفیف خطرهایی کار می‌کند که انواع خاصی از فعالیت‌های بشری با آن‌ها روبه‌رو است.
  - ۶- در شرایط مدرنیت این اعتماد وجود دارد که همگان فعالیت بشری را خصوصاً در جهان مادی، زاینده اجتماع بشری می‌دانند نه ماهیت اشیاء یا تأثیر الهی. هم‌چنین، «مخاطره» جای مفهوم «سرنوشت‌ساز» را و «تکالیف اخلاقی انسانی» و «علت‌های طبیعی» و «اتفاق» جای «کیهان-شناسی‌های» مذهبی را گرفته‌اند.
  - ۷- اگرچه افراد در کنش‌هایی که انجام می‌دهند، احتمال خطر گوناگون آن را آگاهانه سبک و سنگین می‌کنند؛ ولی بعضاً به کنش‌هایی دست می‌زنند که ذاتاً مخاطره آمیزند بدون این‌که افراد درگیر در آن‌ها از مخاطره‌آمیز بودنشان آگاهی داشته باشند.
- اعتماد را می‌توان به‌عنوان اطمینان به اعتمادپذیری یک شخص یا نظام، با توجه به رشته پیامدها یا رویدادهای معین تعریف کرد. جایی که این اطمینان، ایمان به صداقت یا عشق به دیگری یا صحت اصول انتزاعی (دانش فنی) را بیان می‌کند (گیدنز، ۱۳۷۷: ۴۳). همان‌طور که بیان شد مبنای اصلی کار گیدنز در بحث اعتماد، تفاوت بین اعتماد در جوامع سنتی و مدرن است و در این بحث، تأثیر مدرنیته را بر اعتماد می‌سنجد. گیدنز عوامل ایجادکننده اعتماد در جوامع سنتی را، نظام خویشاوندی، اجتماع محلی، دین و سنت می‌داند و در جوامع مدرن، نقش این عوامل را بسیار کم-رنگ‌تر از پیش دانسته و عامل اصلی ایجادکننده اعتماد را نظام‌های انتزاعی می‌داند (همان: ۱۲۳).

### ۳. انواع اعتماد از نظر گیدنز

۱- اعتماد بنیادی: در واقع اعتماد بنیادی حاصل نوعی اجتماعی شدن ناخودآگاه، اعتماد به دنیای عینی و ملموس و هم‌چنین اعتماد به همیشگی بودن دیگران است که از تجربیات نخستین مراحل کودکی سرچشمه می‌گیرد. گیدنز این اعتماد را سرچشمه عمده انواع بینش‌ها می‌داند که در همه فرهنگ‌ها از پیش از مدرن تا مدرن کاربرد دارد و می‌گوید «در این اعتماد فرد یاد می‌گیرد هم به دیگران اعتماد کند هم به خودش» (همان: ۱۱۳). گیدنز معتقد است اگر این اعتماد در کودکی به خوبی شکل گرفت و کودک به اعتمادپذیری شخصیت والدین اعتماد کرد، پایه و بنیاد همه گونه اعتماد بعدی در زندگی فرد می‌شود و بالعکس اگر اعتماد بنیادی به کودک داده نشود و فرد احساس امنیت وجودی نکند، موجب عدم اعتماد به دیگران و سرریز شدن اضطراب وجودی می‌شود که به صورت احساس‌های آزرده‌گی، سردرگمی و خیانت‌شدگی همراه با بدگمانی و دشمنی‌خویی خود را نشان می‌دهد (گیدنز، ۱۳۸۲: ۶۵).

۲- اعتماد متقابل بین شخصی: نوع دیگری از اعتماد که گیدنز به آن می‌پردازد، اعتماد بین شخصی است. وی در تفاوت اعتماد شخصی و روابط صمیمیت در جوامع سنتی و مدرن می‌گوید:

«در جوامع پیش از مدرن، افراد یا دوست بودند و قابل اعتماد و یا دشمن بودند و غیر قابل اعتماد. اما در جوامع مدرن، متضاد دوست، دیگر دشمن یا حتی بیگانه نیست؛ بلکه بیش‌تر آشنا، همکار یا کسی است که شخص او را نمی‌شناسد» (گیدنز، ۱۳۷۸: ۲۱).

برای ایجاد اعتماد، شخص باید هم به دیگران اعتماد کند و هم خودش دست کم در محدوده رابطه مورد نظر، قابل اعتماد باشد. در این رابطه، برای جلب اعتماد شخص مقابل، هر کس باید شخصیت دیگری را به رسمیت بشناسد و قادر باشد به‌طور منظم بعضی پاسخ‌های مطلوب را از گفتار و رفتار او استنباط کند (همان: ۱۴۱).

۳- اعتماد انتزاعی: در شرایط مدرنیت، تعداد زیادی از آدم‌ها در وضعیتی زندگی می‌کنند که نهادهای از جا کنده شده‌ای که عملکردهای محلی را به روابط اجتماعی جهانی مرتبط می‌سازد، جنبه‌های عمده زندگی روزانه را سازمان می‌دهند. به نظر گیدنز، نشانه‌های نمادین نظیر پول و نظام‌های تخصصی، عمده‌ترین نظام‌های انتزاعی می‌باشند. بر اثر توسعه نظام‌های انتزاعی، اعتماد به اصول غیر شخصی و نیز اعتماد به دیگران ناشناس، برای زندگی اجتماعی گریزناپذیر می‌شود. این نوع اعتماد غیرشخصی با اعتماد بنیادین تفاوت دارد (گیدنز، ۱۳۷۷: ۱۴۳).

منظور گیدنز از نظام‌های تخصصی، نظام‌های انجام دادن کار فنی یا مهارت تخصصی است که حوزه‌های وسیعی از محیط‌های مادی و اجتماعی زندگی را تشکیل می‌دهند. این نظام‌های تخصصی، منحصر به حوزه‌های کارشناسی فنی نیستند؛ بلکه به حوزه‌ی روابط اجتماعی و حتی به خصوصی‌ترین گوشه‌های فکر و ذهن ما نیز راه می‌یابند (همان: ۳۳). به نظر گیدنز، اعتماد به نظام-

های انتزاعی، مستلزم اطمینان دوگانه است: اطمینان به اعتمادپذیری افراد خاصی که نظام را می‌گردانند و اطمینان به دانش یا مهارت‌هایی که افراد غیرمتخصص هیچ‌گونه دسترسی مؤثری به آن ندارند (همان: ۱۰۳). گیدنز به نقش رسانه‌های ارتباطی و منابع دیگر که دانش‌های تخصصی را در اختیار آدم‌های عادی و نیز متخصصان فنی قرار می‌دهند، اشاره می‌کند و می‌گوید:

«رسانه‌های جمعی در عصر مدرن، کارکردی دوگانه دارند؛ یعنی هم به عرضه و ارزش‌آفرینی و هم به قلب واقعیت که به تصویری نادرست از نقاط دسترسی و مهارت و دانش تخصصی منجر می‌شود، می‌پردازد» (همان: ۱۰۸).

عامل دیگری که گیدنز به آن اشاره دارد و موجب شک و تردید نسبت به نظام‌های تخصصی و بی‌اعتمادی می‌گردد، فرآیند مهارت زدایی است. این مهارت‌زدایی زمینه‌ساز شک یا دست‌کم احتیاط از سوی افراد می‌شود که به بی‌اعتمادی منجر می‌گردد (همان: ۱۰۶).

۴- اعتماد سیاسی: گیدنز اعتماد به دولت و در واقع اعتماد سیاسی را جزء اعتماد انتزاعی به حساب می‌آورد. به نظر وی، سازمان‌ها و سازماندهی از ویژگی‌های عمده‌ی دنیای متجدد است که یکپارچه‌سازی مجدد زمان و فضا را بر عهده دارد. از این منظر، سازمان اجتماعی، نظام هماهنگی دقیق فعالیت‌های بسیاری از انسان‌ها را به عهده دارد که از نظر جسمانی در حضور یکدیگر نیستند (همان: ۴۳). یکی از نکات بسیار مهم در افکار گیدنز، اشاره به این امر است وقتی هر کسی از همان اطلاعاتی برخوردار است که حکومتش، بنابراین، حکومت‌ها در همان محیط‌های اطلاع‌رسانی قرار دارند که شهروندان‌شان هستند. البته همه این چیزها که زمانی قابل قبول بود دیگر کم‌تر قابل قبول خواهد بود. وی نتیجه می‌گیرد که حکومت‌ها باید شیوه رفتار با شهروندان را تغییر دهند (گیدنز، ۱۳۸۰: ۵۲). به نظر گیدنز، دولت رفاه باید اشکال مختلف طرد اجتماعی را از بین ببرد. او دو نوع طرد اجتماعی را منفک می‌کند: طرد اجتماعی نوع اول، در پایین جامعه و طرد اجتماعی نوع دوم، در میان اقشار بالای جامعه. طرد اجتماعی نوع دوم، طردی خودخواسته است که در آن اقشار ثروتمند خود را از جامعه‌ی گسترده کنار می‌کشند. وی گسترش مدارس خصوصی، پزشک و بیمه خصوصی و ... را نشانه‌ای از بی‌اعتنایی به دولت و شکلی از طرد اجتماعی می‌شمرد (همان: ۵۹). وی معتقد است دولت‌هایی که بدون دشمن هستند، برای حفظ یا دوباره به دست آوردن مشروعیت خود، باید کارآیی اداری‌شان را افزایش دهند. علت این که به حکومت در تمام سطوح اعتماد نمی‌شود تا اندازه‌ای این است که دست و پاگیر و ناکارآمد است. مسائلی نظیر کنترل هدف‌ها، حسابرسی مؤثر، مشارکت بیش‌تر کارکنان و انضباط کاری می‌تواند این روند را تقویت کند (همان: ۶۱).

۵- اعتماد فعالانه: این نوع اعتماد خاص جوامع پسامدرن است که گیدنز آن را پاساستی می‌نامد. جامعه پاساستی جامعه‌ای نیست که در آن سنت‌ها دیگر وجود نداشته باشند، بلکه در این جامعه، فشارهایی برای حفظ یا بازگشت سنت‌ها در کارند. گیدنز معتقد است در این زمان و با عدم

قطعیت بوجود آمده، مسئله مهم، ایجاد اعتماد فعالانه است؛ یعنی اعتماد به دیگران یا نهادها که باید آن را فعالانه تولید و به بحث کشید (گیدنز، ۱۳۸۲: ۱۵۱).

چنانچه بیان شد از دید نظریه پردازان، عوامل زیادی بر اعتماد سیاسی تأثیر گذار می باشد. یکی از این عوامل، دین و ارزش های مذهبی است. اسپنسر، دورکیم، تونیس و وبر هر کدام به نحوی بر تأثیر دین و ارزش ها و فرهنگ مشترک بر رواج اعتماد تأکید کرده اند. صاحب نظران سرمایه اجتماعی از جمله کلمن، فوکویاما، پانتام، گیدنز و پورتر هم بر تأثیر دین بر افزایش سرمایه اجتماعی که اعتماد هم بخشی از آن است، تأکید زیادی داشته اند. اکثر جامعه شناسان به نقش دین در همبستگی اجتماعی، فعالیت های گروهی، ایجاد اعتماد و دیگر ویژگی های سرمایه اجتماعی اشاره کرده اند.

#### ۴. تبیین دین و دین داری

دین، مجموعه ای از اعتقادات، اعمال و احساسات فردی - جمعی است که حول مفهوم حقیقت غایی سامان یافته است (پترسون همکاران، ۱۳۸۴: ۱۸). برخی از متفکران مسلمان در تعریف دین، رابطه دین و اخلاق را مدنظر داشته و دین را چنین تعریف نموده اند:

«دین به معنی اعتقاد به آفریننده ای برای جهان هستی و انسان و دستورات عملی متناسب با این عقاید می باشد» (مصباح یزدی، ۱۳۷۴: ۲۶).

در مجموع؛ دین، در بردارنده ی مجموعه ی اعتقادات نظیر اعتقاد به مبدأ و معاد، باور به علم و قدرت خدولوند به عنوان خالق عالم و مسائلی از این دست است. هم چنین دین مجموعه ای از احکام و دستورات اخلاقی را در خود جای داده که هدف از آنها فراهم ساختن یک زندگی متناسب با کمالات انسانی برای پیروان ادیان است.

به تبع تعریف فوق از دین، دین داری هم عبارت است از پای بندی و آگاهی از اصول و شعائر یک مذهب، به گونه ای که این پیروی بر زندگی فردی و اجتماعی تأثیر گذار باشد (ربانی و طاهری، ۱۳۸۸: ۹۱). به عبارت دیگر، دینداری خواهد بود از پذیرش تمام یا بخشی از عقاید، اخلاقیات و احکام دینی به نحوی که شخص دین دار خود را ملزم به تبعیت و رعایت از این مجموعه بداند (یغمایی، ۱۳۸۰: ۹۰). پس، دین داری به بیان کلی، یعنی داشتن اهتمام دینی به نحوی که نگرش، گرایش و کنش های فرد را متأثر می سازد (Himmel fab, 1975: 606). و دیندار کسی است که با آگاهی به اصول و شعائر یک مذهب، در نظر و عمل، پیروی آن دین را اتخاذ می کند به نحوی که این پیروی بر زندگی اجتماعی و غیر دینی او تأثیر می گذارد (انوری، ۱۳۷۳: ۱۵۶) و موجب ارزش و مفهوم بخشی به زندگی بشری می گردد. به طوری که هر دینی با تأثیر گذاشتن بر غایت زندگی افراد، زندگی را معنادار کرده و از پوچی رهایی می بخشند.

دورکیم، دین را عامل همبستگی می‌داند (به نقل از همیلتون، ۱۳۷۷: ۱۷۸). دیویس، دین را عامل انسجام بخش و تقویت همکاری اعضا و ادای دین را هنجاربخش و نظم آفرین می‌داند (به نقل از پناهی و شایگان، ۱۳۸۶: ۸۱). ماکس وبر، دین، ارزش‌ها و جهان‌بینی افراد را الهام بخش رفتار آنان می‌داند. از نظر وبر، دین می‌تواند بر شبکه‌ی اعتماد در بین افراد اثر مثبت گذاشته که برای روابط و مبادله‌ی اقتصادی لازم و ضروری است (فوکویاما، ۱۳۷۹: ۱۵۳). توکویل نیز دین را کلید نیروبخش کمک کردن مردم به یکدیگر و گذشتن از منافع خودشان بخاطر دیگران می‌داند. به طور کلی، پاتنام هم یکی از کارکردهای مهم دین را افزایش سرمایه اجتماعی می‌داند (پناهی و شایگان، ۱۳۸۶: ۸۱). گلاک و استارک برای سنجش میزان دینداری پاسخ‌گویان مدلی ارائه می‌دهند که پنج بُعد دارد (stark and gloch, 1970). این مدل به دلیل چند بعدی بودن، برای هر نوع دینی می‌تواند کاربرد داشته باشد (موحد و نوبخت، ۱۳۸۷: ۱۷۱). بسته به شرایط و محیط جوامع، برخی از ابعاد آن را می‌توان مهم‌تر و گویاتر در نظر گرفت. این پنج بُعد عبارت از «فکری»، «اعتقادی»، «مناسکی»، «تجربی» و «پیامدی» می‌باشند.

## ۵. ابعاد دین‌داری و نظریه‌های مربوط به آن‌ها

### ۵-۱. بعد فکری

بُعد فکری (دانش دینی) مشتمل بر اطلاعات و دانسته‌های مبنایی در مورد معتقدات هر دین است که پیروان آن دین باید آن‌ها را بدانند. در واقع، شامل حداقل شناخت از اصول و فروع و تاریخ دین است؛ به گونه‌ای که فرد خود را ملزم به انجام اعمال دینی دانسته یا حداقل به آن گرایش پیدا کند. مانند «آشنایی با قرآن کریم» در شریعت اسلام.

### ۵-۲. بعد اعتقادی

بُعد اعتقادی (باورهای دینی) باورهایی است که انتظار می‌رود پیروان یک دین به آن‌ها اعتقاد داشت باشند؛ مانند اعتقاد به وجود خداوند. در واقع، باورهای دینی عبارتند از نوعی ادراک دینی برخاسته از موقعیت دینی که به فرد بینش خاصی نسبت به حقانیت اصول دین می‌دهد. سنجه‌هایی که برای عملیاتی کردن این شاخص می‌تواند به کار آید به عنوان مثال شناخت خدا، اعتقاد به پیامبر و امامان و ... می‌باشند.

توکویل معتقد است که اعتقادات مذهبی، نوعی انضباط اخلاقی در افراد پدید می‌آورد و در جامعه‌ای که انسجام آن مورد تهدید به فردگرایی قرار گرفته است، می‌تواند باعث همبستگی شود؛ زیرا این اعتقادات، روح همگانی را در آن‌ها ایجاد می‌کند و مسئولیت اجتماعی افراد را یادآور می‌-



شود (ویلیم، ۱۳۷۷: ۹۱). کنت معتقد است اگر اعتقادات دینی نبود جامعه از هم می‌گسیخت. وی از اعتقادات دینی به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های اجماع اجتماعی یاد می‌کند و آن را سنگ بنای سامان اجتماعی می‌داند که همان شیرازه‌ی نیرومندی است که افراد جامعه را به هم‌دیگر پیوند می‌دهد (کوزر، ۱۳۸۲: ۶۷؛ آرون، ۱۳۸۱: ۹۶). دورکیم معتقد است که اعتقادات مذهبی باعث می‌شود افراد وابسته و مطیع یک قدرت خارجی شوند (همیلتون، ۱۳۷۷: ۹۷) به طوری که افراد منافع شخصی خود را از یاد می‌برند. در واقع، اعتقادات دینی، نوعی اقتدار اخلاقی به همراه دارد که احساس ملکوتی را در افراد بیدار می‌کند (آرون، ۱۳۸۱: ۱۰۵). دیویس معتقد است از آن‌جا که هدف‌های گروهی فطری نیستند، باید با وسایلی حفظ شوند؛ بنابراین، برای دستیابی به این هدف، هدف‌های گروهی باید با کنش‌های فردی پیوند خورده و کارکرد اعتقادات دینی انجام این کار است (همیلتون، ۱۳۷۷: ۱۰۱).

با تلفیق دیدگاه‌های مطرح شده از سوی اندیشمندان درباره‌ی اعتقادات دینی می‌توان گفت، افراد جامعه، برای رسیدن به اهداف گروهی، باید کنش‌های فردیشان را با یکدیگر پیوند دهند و اعتقادات دینی مشترک همان شیرازه‌ی نیرومندی است که به واسطه‌ی دید مشترکی که از جهان به افراد اعطا می‌کند، آن‌ها را یکپارچه‌تر و هماهنگ‌تر می‌کند و باعث همبستگی گروهی بین آنان می‌شود که بنابراین رسیدن به اهداف مشترک را برای آن‌ها تسهیل می‌کند. اعتقادات دینی ضمناً نوعی روح همگانی را در کالبد جامعه می‌دمد که باعث می‌شود افراد جامعه احساس مسئولیت بیش‌تری نسبت به اعضای دیگر داشته باشد. همچنین این کنترل درونی، یک نیروی بازدارندگی نسبت به برخی اعمال (نظیر جرم و انحرافات اجتماعی) در افراد ایجاد می‌کند و آن‌ها را طی روابط و مناسبات اجتماعی‌شان، به احترام به حقوق دیگران وادار خواهد کرد.

### ۵-۳. بعد مناسکی

بُعد مناسکی (اعمال دینی) شامل اعمالی می‌شود که پیروان ادیان مختلف، بسته به دین خود انجام می‌دهند؛ مثل انجام اعمال واجب دینی هم‌چون نماز، روزه و ...

پاره‌تو معتقد است تمامی ادیان واجد مناسک و اعمالی هستند. این اعمال در نظر وی نوعی ابزار است که فرد را وادار می‌کند تا یکپارچگی خود را با دیگر اعضای جامعه تثبیت یا ترمیم کند (آرون، ۱۳۸۱: ۹۸). مالینفسکی معتقد است کسی که به مناسک عمل می‌کند، بر اثر تخلیه‌ی عاطفی آرامش بیش‌تری احساس کرده و وظایفش در جامعه را به‌گونه‌ی مؤثرتری انجام می‌دهد. وی معتقد است که مناسک، نیرومندترین وسیله‌ی یکپارچگی دوباره برای گروهی است که همبستگی‌اش متزلزل شده و بهترین شیوه‌ی ترمیم روحیه‌ی تضعیف‌شده‌ی گروه به‌شمار می‌آید (همیلتون، ۱۳۷۷: ۲۰۷). به نظر دیویس، مناسک جمعی، دلبستگی افراد را به هدف‌های گروهی تشدید می‌کند و

یگانگی افراد جامعه را با اعضای دیگر تقویت می‌کند(همان). دورکیم درباره‌ی مناسک، نظریه‌ای تکامل یافته‌تر دارد. در نظر او، همه‌ی مناسک این کارکرد اجتماعی عمده را دارند که همان حفظ جماعت و تروتازه نگه داشتن حس تعلق به گروه است(آرون، ۱۳۸۱: ۸۹). دیگر آن که وی معتقد است این مناسک و ماهیت چنین گروه‌هایی است که این همه شور و شوق برمی‌انگیزانند و شرکت کنندگان را به اهمیت گروه و جامعه آگاه می‌سازد و علاوه بر حفظ انسجام گروهی، وضعیت خوشایندی را برای افراد به ارمغان می‌آورد(همیلتون، ۱۳۷۷: ۲۲۱). به زعم دورکیم، افراد در غلیان ناشی از مناسک مذهبی نوعی هم‌دلی با هم پیدا می‌کنند؛ زیرا طی اجرای مناسک دینی، اعمال و کردارهای همانند انجام می‌دهند و بنابراین باهم احساس نزدیکی می‌کنند. دیگر آن که چنین مناسکی یک فعالیت جمعی است که هر فردی را از خود بیخود می‌کند و باعث می‌شود فرد جزئی از نیروی گروه شود و این نیروی جمعی و خارق‌العاده، احساسی در فرد ایجاد می‌کند که فرد خود را نیرومندتر از گذشته می‌بیند(آرون، ۱۳۸۱: ۱۱۲).

#### ۵-۴. بعد تجربی

بُعد تجربی(عواطف دینی) مربوط به عواطف، احساسات و تأثیری است که در ارتباط فرد با واقعیتی غایی یا اقتداری متعالی هم‌چون خدا می‌باشد مثل احساس نزدیکی به خدا و ...  
و بر معتقد است آموزه‌های مذهبی به انسان‌ها این طور القاء می‌کند که بی‌عدالتی‌های آشکار جهان ظاهری هستند و بدین ترتیب، دین می‌تواند خصلت به‌ظاهر خودسرانه‌ی جهان را معنی داده و سامان مند جلوه دهد و در واقع توجیه خوشبختی و بدبختی را برای آدمیان فراهم می‌کند(همان). به زعم مالدینوفسکی، دین ریشه در فشارها و تنش‌های عاطفی و مشکلات دارد و به کمک انسان‌ها می‌آید و احساس آرامش را برای آن‌ها به ارمغان می‌آورد(همان). گیتریس نیز معتقد است دین از طریق معنادار نمود و قابل تحمل کردن رنج بشر و نوید غلبه‌ی نهایی عدالت در جهان به انسان، باعث ایجاد آرامش روحی و احساس خوشبختی در افراد می‌شود(ویلیم، ۱۳۷۷: ۱۰۵). برگر نیز معتقد است انسان همیشه بیم و وحشتی از بی‌معناشدن زندگی دارد؛ بنابراین تمایل به نظام معانی که به لحاظ اجتماعی، هدفدار است پیدا می‌کند که دین یکی از مؤثرترین ابزارها برای ایجاد این نظام است(توسلی، ۱۳۸۰: ۶۴۰). که کارش برداشت سامان مند و معنی دار از واقعیت است.

زندگی انسان‌ها با بی‌اطمینانی و اضطراب‌ها و ابهام‌هایی همراه می‌باشد که یکی از این اضطراب‌ها، ترس از مرگ و احساس فقدان و بنابراین رسیدن به احساس پوچی و ناامیدی است؛ اما آموزه‌های دینی به افراد این طور القاء می‌کند که بی‌عدالتی‌ها ظاهری هستند و با این که اهداف دنیوی برای همه دست یافتنی نیست، با این حال، دین اهداف برتری ایجاد می‌کند که هر کس می‌تواند به فراخور رعایت اصول دینی به آن‌ها دست یابد. بنابراین، بدبختی‌ها و ناکامی‌ها را بی‌اهمیت

جلوه می‌دهد و باعث ایجاد آرامش روحی و احساس خوشبختی در افراد و رفع ناامیدی از زندگی آنان می‌شود. از طرفی با پاسخی که به معمای مرگ می‌دهد و وعده برای زندگی در جهانی دیگر، زندگی را به نظام معنادار و هدفداری تبدیل می‌کند و بدین‌صورت، امید به زندگی در افراد افزایش یافته و راه‌حلی برای احساس پوچی برای آن‌ها فراهم می‌آید.

## ۵-۵. بعد پیامدی

بُعد پیامدی (آثار دینی) ناظر بر آثار باورها و اعمال، تجربه‌ها و دانش بر زندگی و اعمال روزمره پیروان هر آیینی است مثل دقت در حلال و حرام، کمک به مستمندان و ...

آیزن معتقد است اعتقادات و باورها، تأثیر غیرمستقیم بر رفتار دارد. در واقع او معتقد است که گرایش‌ها و باورها خود تحت تأثیر شخصیت و شرایط اجتماعی زندگی افراد است. به عبارت دیگر، شخصیت و شرایط اجتماعی زندگی افراد، بر گرایش‌ها و اعتقادات آن‌ها تأثیرگذار است و اعتقادات و باورها از طریق تأثیر بر قصد و نیت افراد بر جهت‌گیری رفتار آدمیان تأثیر می‌گذارد. بنابراین آیزن نتیجه می‌گیرد اعتقادات و باورها، تنها یکی از عوامل مؤثر بر رفتار است. دیویس نیز بر تأثیر دینداری بر رفتار افراد جامعه تأکید کرده است. او بیان می‌دارد که دین‌داری، عزم افراد را به رعایت هنجارهای گروهی تقویت می‌کند و بدین وسیله یگانگی افراد جامعه را با اعضای دیگر تقویت می‌کند (همیلتون، ۱۳۷۷: ۱۲۷). بینگر هم به نقشی که دین بر رفتار انسان دارد پرداخته است و آن‌قدر آن را حائز اهمیت می‌داند که می‌گوید تنها زمانی می‌توان از یک دین صحبت کرد که شخص، آموزه‌ها و عملکردهای یک گروه اجتماعی را پذیرفته و به آن‌ها عمل می‌کند (همان).

اعتقادات و آموزه‌های دینی از طریق ضمانت‌های اجرایی که درون آن‌ها وجود دارد هرچند غیر مستقیم، ولی کنش اجتماعی را هدایت می‌کند و به رفتار انسان‌ها جهت می‌دهد. این ضمانت‌های اجرایی، رفتار مبتنی بر عادت را در افراد ایجاد می‌کند که بر اثر آن، نوع خاصی از شخصیت شکل می‌گیرد به طوری که افراد معمولاً بعد از پذیرفتن آموزه‌های دینی، سعی می‌کنند بر اساس تعلیمات آن عمل کنند و از آن‌جایی که بیش‌تر آموزه‌های دینی بر مبنای احترام به حقوق دیگران، هم‌پاری با افراد جامعه، معاشرت‌های سالم با هم‌کیشان، ایجاد اعتماد در دیگران و دیگر ارزش‌های اخلاقی نیک و مثبتی است که دینداران به آن توصیه می‌شوند، در صورتی که دین‌داران بدین شکل عمل کنند، در واقع دست به اعمالی می‌زنند که باعث بالا رفتن سرمایه‌ی اجتماعی نیز می‌شود.

در ایران، دین، نهادی پرنفوذ و مؤثر در عرصه‌ی زندگی اجتماعی بوده است؛ بویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی، دین با کنترل نهاد سیاست، توانسته برگستره‌ی وسیع‌تری از زندگی تأثیر بگذارد.

## ۶. ابعاد سه‌گانه دین‌داری

کنت به ابعاد سه‌گانه دین یعنی «عقاید»، «عواطف» و «عمل»، بر حسب ابعاد سه‌گانه‌ی وجودی انسان اشاره کرده است (آرون، ۱۳۷۰: ۱۱۶). تعبیر موسع کنت از عمل دینی به نظام، او را به اذعان وجودی جنبه‌ای در دین که برخی از آن تحت عنوان بعد اجتماعی یاد کرده‌اند نزدیک ساخته است. دورکیم اما با عمده‌سازی بُعد مناسکی در ادیان ابتدایی و تکمیل آن با بُعد عقیدتی در ادیان متأخر، تنها به دو بعد تصریح کرده است (دورکیم، ۱۳۸۲: ۴۷) و داخ با افزودن بُعد معاشرت به آن دو بعد عقیدتی و مناسکی، به الگوی سه‌گانه‌ی دینداری اذعان کرده است. لنسکی را نخستین کسی دانسته‌اند که رهیافتی چند بعدی به دین‌داری داشته و در معرض این ابعاد بر حسب تعریفش از دین تلاش شایانی کرده است (stark and gloch, 1970: 2). دین از نظر لنسکی عامل مؤثری است که اندیشه و عمل فرد را حتی در جوامع مدرن متأثر می‌سازد. او برای سنجش این تأثیرگذاری به سراغ مهم‌ترین جنبه‌های دین‌داری، یعنی جهت‌گیری دینی و میزان درگیر بودن با گروه دینی رفته است. فوکویاما نیز در یک مطالعه‌ی اکتشافی به شیوه‌های متفاوت دینی بودن مردم اشاره کرده و در آن به ابعاد چهارگانه‌ی «شناختی»، «آیینی»، «عقیدتی» و «عبادتی» تأکید کرده است (فوکویاما، ۱۳۷۹: ۲۸).

## ۷. ابعاد دین‌داری در اسلام

درباره ابعاد دینداری در اسلام نیز تعابیر متفاوتی وجود دارد که از سه بعد «اعتقادات»، «احکام» و «اخلاق» (مطهری، ۱۳۶۹: ۶۳) تا پنج بعد «عقیده»، «ایمان»، «عبادات»، «اخلاق» و «شریعت» گفته شده است. دینداری را اگر تأثیر و تجلی کم یا زیاد دین در ذهن، روان و رفتار فرد بدانیم و آن را از طریق ابعاد تفصیل یافته‌اش، یعنی عقیده و ایمان و عبادت و اخلاق و شریعت دنبال کنیم، با ابعاد پنج‌گانه معتقد بودن، مؤمن بودن، اهل عبادت بودن، اخلاقی عمل کردن و متشرع بودن می‌توان شناخت. از آثار و نشانه‌های دین‌داری می‌توان به اهتمامات فرد در بالابردن دانش و معلومات دینی خود، در داشتن ظاهر دینی، در اقامه و برپایی شعائر و داشتن اهتمام مشارکتی و پیوندهای معاشرتی اشاره کرد.

۱- ایمان و اعتقاد: بر اساس آموزه‌های اسلامی، عقیده محتوای نظری یک آیین است که ناظر به موضوعات بنیادین هستی‌شناختی و مسائل غایی حیات است؛ اما ایمان، شدت تعلق و عمق دل بستگی و میزان اعتماد و اتکای به آن محتوا را می‌رساند. عقیده از بعد ذهنی وجود انسان و ایمان از بعد روانی - عاطفی آن ناشی می‌شود. به همین نحو، اولی به وجهی معرفتی و دومی با وجه عاطفی دین‌قرین‌تر است.

۲- عبادات: منظور از عبادت کلیه رفتار و آدابی است که فرد در مقام پریش نسبت به پروردگار و معبود خویش انجام می‌دهد. عبادت می‌تواند به صورت فردی یا جمعی اجرا شود. پس عبادت خاص‌تر از به‌جا آوردن شرط بندگی پروردگار است که تمام زندگی را در بر می‌گیرد و هم‌چنین خاص‌تر از فروع دین است که شامل ابعاد غیر عبادی هم می‌شود.

۳- اخلاق: تواصی و نواهی دینی مربوط به حوزه‌ی نیکویی‌شناسی را اخلاق می‌گویند و آن به داشتن تعامل پسندیده با دیگران مربوط می‌شود. دشواری سنجش اخلاق از یک سو و وجود نظریات و تمایلاتی در غرب به نفع جداسازی آن از سوی دیگر، باعث گردیده تا این بُعد از سنجش‌های دینداری رایج، غایب بماند و یا به سنجش نازل‌ترین سطح آن یعنی نگرش اخلاقی تقلیل یابد (himmel fab, 1975: 618).

۴- شریعت: منظور از شریعت، مجموعه دستورات و امامر صریح و غیر صریح دینی است که در اسلام (فقه) خوانده می‌شود. شریعت، مقرراتی است حداقلی که نحوه‌ی زندگی در دنیا و تعامل با خود، طبیعت و دیگران را تعیین می‌کند و سنجیده می‌شود. تشریح از حیث معطوف بودن تکالیف به خود یا به غیر خود و زیر شاخه‌ی فردی و جمعی که دارای مصادیق کاملاً متفاوتی نیز هست، قابل رهگیری و بررسی است.

## ۸. اخلاق و تعامل آن با دین

در اصطلاح واژه‌ی اخلاق گاهی به ملکات نفسانی اطلاق می‌شود که سبب صدور فعل بدون فکر و تدبیر می‌شود (طوسی، ۱۳۶۵: ۱۰۱). گاهی هم به دستگاهی از عقاید جاری در جامعه درباره‌ی منش و رفتار افراد جامعه اطلاق می‌شود (انکیسون، ۱۳۶۹: ۱۶). ولی حقیقت این است که اخلاق یک بُعدی نیست؛ بلکه هم به صفات اطلاق می‌شود و هم به رفتار توجه دارد. از این رو، اخلاق، مجموعه‌ی نظامی ناظر بر صفات و رفتارهایی است که قابل اتصاف به خوبی و بدی و یا شایست و ناشایست است.

بحث رابطه دین و اخلاق در گفتگوی سقراط و اوتیفرون ریشه دارد. در این گفتگو، سقراط می‌پرسد: آیا به علت این که خدا به چیزی امر کرده است، آن چیز خوب است یا چون آن چیز خوب است خداوند به آن امر کرده است (افلاطون، ۱۳۸۰: ۲۳۸). برخی دین و اخلاق را ناسازگار می‌دانند. مارکس، فیشته، نیچه، راسل، فروید و کارل بارث از جمله کسانی بودند که ناسازگاری دین و اخلاق را اظهار می‌نمودند. اما نظر درست این است که دین و اخلاق متعارض نیستند بلکه کاملاً در تعامل با یکدیگر هستند. آن دو به هم نیازمند هستند و نیازهای هم‌دیگر را برآورده می‌سازند (مصباح یزدی، ۱۳۷۴: ۳۷). از این رو، اخلاق، یکی از مسائل اساسی دین است. هم‌چنین دین در اثبات و تصدیق شریعت نیز به اخلاق نیازمند است. اخلاق معانی و کاربردهای متعدد دارد و منظور از اخلاق در این-

جا، نهادی در عرض علم، هنر، حقوق و حتی دین است که به نوعی مستقل از اشخاص وجود دارد و هنجارهایی را بر جامعه تحمیل می‌کند (صادقی، ۱۳۸۲: ۲۷۳). گروهی اخلاق و دین را کاملاً مستقل از هم دانسته‌اند و گروهی غیر مستقل؛ در گروه اول نیز برخی آن‌ها را کاملاً باهم سازگار می‌دانند و برخی قائل به ناسازگاری جزئی آن دو هستند و برخی قائل به ناسازگاری کلی هستند. عده‌ای اخلاق را برگرفته از دین می‌شمارند و برخی دین را متناهی از اخلاق قلمداد می‌کنند (قریشی، ۱۳۸۱: ۱۳).

## ۹. وابستگی‌های اخلاق به دین

این وابستگی را می‌توان از دو جنبه‌ی برون دینی و درون دینی بررسی نمود. از نگاه برون دینی، باید گفت اگرچه ارزش‌های اصلی و اصول اخلاقی را عقل درک می‌کند، اما عقل به تنهایی توان تشخیص مصادیق این اصول را ندارد. هم‌چنین غالب احکام اخلاقی به تنهایی ضمانت اجرا ندارد؛ چراکه در بسیاری موارد، آگاهی از ارزش اخلاقی، برای عملی کردن آن کافی نیست. در این‌جا اعتقاد به خداوند و ثواب جزا در معاد است که پای‌بندی به دستورات اخلاقی را تأمین می‌کند و برای کسانی که در سطح بالاتری هستند نیز، انگیزه‌ی قرب الهی و اعتقاد به این که میان اعمال انسان و سرنوشت او، رابطه‌ی تکوینی و وضعی وجود دارد، ضمانت اجرای احکام اخلاقی را فراهم می‌آورد (صادقی، ۱۳۸۲: ۲۷۰). میان اخلاق و دین می‌توان مناسبات مختلفی برقرار کرد که عمده‌ترین آن‌ها عبارتند از:

۱- نیازمندی وجودشناختی اخلاق به دین: برخی از دین‌داران گمان می‌کنند که دین هیچ نوع وابستگی به اخلاق ندارد و در واقع این اخلاق است که کاملاً به دین وابسته است. از نظر آنان وابستگی دین به اخلاق موجب محدودیت خداوند است که از نظر دین به شدت مورد انکار قرار می‌گیرد. در این صورت باید امر الهی را مرجع نهایی اخلاق دانست تا اقتدار مطلق خداوند محفوظ ماند. این دیدگاه تقریرهای مختلفی دارد که یکی از آن‌ها، به نظریه امر الهی شناخته شده است. طرفداران نظریه امر الهی تعیین خوبی و بدی افعال و صفات را تنها به خواست و اراده خداوند نسبت می‌دهند.

۲- نیازمندی معرفت شناختی اخلاق به دین: این نوع نیازمندی، بیانگر این است که اخلاق در مقام کشف ارزش‌های اخلاقی به دین نیازمند است. بر طبق این نظر، که مورد ادعای غالب علمای شیعه است، حسن و قبح افعال ذاتی است اما شناخت آن‌ها عقلی و نقلی است. عقلی و نقلی بودن ارزش‌ها به این معناست که می‌توان از طریق عقل، کلی‌ترین و اصلی‌ترین ارزش‌ها را شناخت؛ در حالی که، ارزش‌های فرعی با توجه به فرامین الهی قابل شناخت هستند. این گروه معتقد هستند که عقل و تجربه و روش‌های حسی، عقلی و تجربی در کشف همه خوبی‌ها و بدی‌ها دچار نارسایی است که در بسیاری از موارد نیازمند یاری عامل متعالی تری به نام دین می‌باشد (فناپی، ۱۳۸۴: ۱۴۳).

۳- نیازمندی روانشناختی اخلاق به دین: گروهی بر این باورند که داوری‌های اخلاق به خودی خود برانگیزاننده و محرک آدمی در جهت انجام فعل اخلاقی نیستند. مطابق این دیدگاه، انگیزه لازم برای انجام عمل اخلاقی، تنها از طریق باورهای دینی تأمین می‌شود. از سویی دیگر، افرادی نیز مخالف این دیدگاه بوده و معتقد هستند انگیزه دینی اساساً انگیزه‌ای اخلاقی نیست. امانوئل کانت از جمله فیلسوفان اخلاقی است که مخالف وابستگی روانشناختی اخلاق به دین است. وی اساس اخلاق را نه در طبیعت انسان و نه در فرامین الهی، بلکه در عقل عملی مطلق و کلی می‌جوید و فعلی از نظر او با ارزش است که برای رعایت قانون اخلاقی انجام شود (کانت، ۱۳۶۹: ۴۲). وی مدعی است که برای آن که قانون اخلاقی، کلی و ضروری باشد، باید از انواع غایات سودطلبی‌ها، عواطف، احساسات و لذت‌طلبی‌ها مستقل باشد.

۴- وابستگی عقلانیت اخلاق به دین: مقصود از وابستگی عقلانیت اخلاق به دین، این است که بدون پذیرش دین و اعتقادات دینی، اخلاقی بودن کار نامعقولی است. مدعیان وابستگی عقلانیت اخلاق به دین، در حقیقت معتقد هستند که کارهای اخلاقی باید قابل توجیه عقلانی باشند و بدون اتکاء به دین و اعتقادات دینی در باب زندگی پس از مرگ و پاداش و جزای اخروی نمی‌توان توجیه عقلانی درستی برای اخلاقی بودن به دست داد. در عین حال، برخی معتقدند که بدون نیاز به دین و آموزه‌های دینی نیز می‌توان از داشتن نظام اخلاقی معقول سخن گفت. در این صورت، پای‌بندی به التزام به دین، شرط ضروری برخورداری از دیدگاهی اخلاقی نمی‌باشد و می‌توان از اخلاق سکولار نیز توجیه معقولی به دست داد.

۵- نیازمندی غایت شناختی اخلاق به دین: یکی از اموری که در ارزش‌گذاری افعال اخلاقی نقش مهم و تعیین‌کننده‌ای دارد، داشتن غایت و هدف اخلاقی ارزشمند است. هواداران اخلاق دینی معتقدند که هر چند می‌توان برای حیات فردی اهدافی را تعقیب کرد، اما بدون فرض خدا و دین نمی‌توان از غایتی جامع و فراگیر سخن گفت. بر طبق این دیدگاه، دین در تعیین هدف ارزش‌های اخلاقی نقش اساسی دارد و در این زمینه می‌تواند خدمت‌ارزنده‌ای به اخلاق کند؛ به طوری که اگر آموزه‌های دینی نباشد، ارزش‌های اخلاقی غایت غالب و فراگیر نخواهد داشت؛ در غیر این صورت، اگرچه می‌توان اهداف انسانی مثل خدمت به دیگران را هدف و غایت اخلاقی در نظر گرفت، اما این غایت متناسب با انسانی که از روحی جاودان و ماندگار برخوردار است و مخلوق خداوند بوده و همواره در محضر اوست نمی‌باشد.

۶- اخلاق و خداشناسی: یکی از معروف‌ترین دلایلی که متکلمین اسلامی بر ضرورت خداشناسی اقامه می‌کنند، دلیلی اخلاقی است که عبارت است از حکم اخلاقی عقل به وجوب شکر منعم که امروزه در کتب فلسفی دین از برهان اخلاقی به‌عنوان یکی از براهین خداشناسی یاد می‌شود (مصباح یزدی، ۱۳۸۱: ۱۷۵).

## ۱۰. جداول مربوط به جمع‌آوری داده‌های میدانی در رابطه با طرح مسأله

جدول ۱ - توزیع فراوانی و درصد اعتماد پاسخ‌گویان به نظام سیاسی

اعتماد به نظام سیاسی	فراوانی	درصد
بسیار زیاد	۲۳۵	۳۷/۳
زیاد	۱۶۴	۲۶/۰
کم	۸۶	۱۳/۷
بسیار کم	۳۹	۶/۲
بی نظر	۱۰۶	۱۶/۸
جمع	۶۳۰	۱۰۰

جدول ۲ - توزیع درصد اعتماد پاسخ‌گویان به نظام سیاسی

ردیف	گویه‌ها	بسیار موافقم	موافقم	مخالقم	بسیار مخالفم	بی نظر	بی جواب
۱	از این که در جمهوری اسلامی زندگی می‌کنم، احساس غرور می‌کنم.	۵۴/۴	۳۱/۶	۳/۷	۴/۰	۱۴/۱	۱/۳
۲	از اکثر مواضع نظام جمهوری اسلامی در امور داخلی دفاع می‌کنم.	۳۶/۰	۳۲/۴	۶/۵	۴/۴	۱۸/۱	۲/۵
۳	اگر حادثه‌ای نظیر جنگ در کشور پیش‌آید، حاضر به دفاع از نظام هستم.	۴۹/۰	۳۰/۵	۳/۲	۴/۸	۱۰/۸	۱/۷
۴	اگر دوباره فراندوم شود به جمهوری اسلامی رأی خواهم داد.	۴۸/۴	۲۵/۱	۳/۷	۵/۹	۱۴/۱	۲/۷
۵	مردم در تصمیم‌گیری‌های نظام نقش کاملاً جدی دارند.	۳۲/۷	۲۸/۱	۱۱/۳	۹/۸	۱۵/۷	۲/۴
۶	قانون اساسی طوری تنظیم شده که هم دین مردم هم دنیای آنها حفظ شود.	۱۷/۰	۳۱/۷	۱۳/۲	۶/۲	۲۸/۷	۳/۲
۷	در کل عملکرد نظام به نفع مردم است.	۱۸/۱	۳۱/۶	۱۶/۳	۸/۶	۲۲/۲	۳/۲
۸	از اکثر مواضع نظام جمهوری اسلامی در امور خارجی دفاع می‌کنم.	۳۱/۰	۳۵/۹	۶/۰	۵/۱	۱۸/۷	۳/۳



جدول ۳ - توزیع درصد شاخص‌های میزان دین‌داری پاسخ‌گویان

میانگین	ضعیف	متوسط	قوی	ابعاد دینداری
۲/۶	۷/۰	۲۶/۸	۶۶/۲	بعد احساسی
۲/۶	۸/۱	۲۵/۲	۶۶/۷	بعد پیامدی
۲	۱۹/۱	۴۶/۳	۳۴/۶	بعد مناسکی
۲/۵	۲/۵	۴۶/۲	۵۱/۳	دین‌داری کلی

جدول ۴ - درصد رابطه اعتماد سیاسی و میزان دین‌داری پاسخ‌گویان

جمع	قوی	متوسط	ضعیف	میزان دینداری / اعتماد سیاسی
۱۶۹	۱۳/۰	۳۸/۸	۸۷/۵	کم
۱۹۶	۲۹/۸	۳۴	۶/۳	متوسط
۲۶۵	۵۷/۱	۲۷/۱	۶/۳	زیاد
۳۶۰	۳۲۲	۲۹۱	۱۶	جمع
-	%۱۰۰	%۱۰۰	%۱۰۰	

## ۱۱. نتیجه‌گیری

ایران کشوری در حال گذر از سنتی به مدرن است. هرچه افراد سنتی‌تر و میزان دینداری آن‌ها بیش‌تر باشد، ملاک اعتمادشان بیش‌تر است. در ایران، چون نظام سیاسی بر مبنای اسلام است و اکثریت مردم مسلمان هستند، فرض اولیه بر این است که اکثر مردم به نظام سیاسی اعتماد داشته باشند؛ هم‌چنین اکثر دین‌داران به نهادهای سیاسی بیش‌تر از کنشگران سیاسی اعتماد دارند؛ چون نهادها از دوام و ثبات بیش‌تری برخوردار هستند.

البته، اگرچه ایران کشوری در حال گذار است، ولی با این ایده‌ی گیدنز در مورد کشورهای مدرن هماهنگی دارد و به نظر می‌رسد تأمین رفاه مهم‌ترین فاکتور برای کسب اعتماد سیاسی در تمام جوامع اعم از سنتی، مدرن یا در حال گذار است و دولت باید در این زمینه تلاش مضاعف داشته باشد. علاوه بر آن، طبق نظر گیدنز، برای افزایش اعتماد سیاسی، خصوصاً در زمانی که نمی‌توان از

وجود دشمن مشترک خارجی در این زمینه بهره گرفت، دولت‌ها می‌توانند از تقویت مردم سالاری، افزایش گفتگوی مؤثر دو طرفه بین مردم و دولت و ایجاد فرصت‌های بیشتر برای مشارکت معنی‌دار مردم استفاده کنند. همچنین فرضیه ما به اثبات رسید که هرچه مردم دین‌دارتر باشند و اخلاق دینی داشته باشند، به همان نسبت اعتمادشان به نظام سیاسی و مسئولان و نهادها نیز بیش‌تر می‌شود.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## منابع

- آرون ریمون (۱۳۷۰). *مراحل اساسی اندیشه در جامعه شناسی*. ترجمه باقر پرهام، تهران: انتشارات آموزش انقلاب اسلامی.
- اتکیسون، آراف (۱۳۶۹). *درآمدی بر فلسفه اخلاق*. ترجمه سهراب علوی نیا، تهران: مرکز ترجمه و نشر کتاب.
- افلاطون (۱۳۸۰). *دوره آثار افلاطون*. ترجمه محمد حسن لطفی و رضا کاویانی، تهران: خوارزمی.
- انوری، حمیدرضا (۱۳۷۳). «پژوهشی راجع به تقدیر گرایی»، *پایان نامه کارشناسی ارشد*، دانشگاه علامه طباطبایی تهران.
- پترسون، مایکل و همکاران (۱۳۸۴). *عقل و اعتقاد دین*. ترجمه احمد نراقی و ابراهیم سلطانی، تهران: طرح نو.
- پناهی، محمد حسین (۱۳۸۲). *عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی زنان در جمهوری اسلامی ایران*. تهران: نشر سوره مهر.
- پناهی، محمدحسن؛ شایگان، فریبا (۱۳۸۶). «اثر میزان دینداری بر اعتماد سیاسی»، *فصلنامه علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی*، شماره ۳۷.
- حیدری، ساناز (۱۳۸۷). «عوامل مؤثر بر اعتماد سیاسی به حکومت در میان دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف»، *پایان نامه کارشناسی ارشد*، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی.
- دورکیم، امیل (۱۳۸۲). *صور ابتدایی حیات دینی*. ترجمه نادر سالار زاده، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
- ربانی، رسول و طاهری زهر (۱۳۸۸). «تبیین جامعه شناختی میزان دینداری و تأثیر آن بر سرمایه اجتماعی در بین ساکنان شهر جدید بهارستان اصفهان»، *مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد*.
- طوسی، نصیرالدین (۱۳۶۵). *اخلاق ناصری*. تهران: خوارزمی.
- فناهی، ابوالقاسم (۱۳۸۴). *دین در ترازوی اخلاق*. تهران: مؤسسه فرهنگی صراط.
- فوکویاما، فرانسیس (۱۳۷۹). *پایان نظم: بررسی سرمایه اجتماعی و حفظ آن*. ترجمه غلام توسلی، تهران: نشر جامعه ایران.
- کانت، امانوئل (۱۳۶۹). *بنیاد مابعدالطبیعه اخلاق*. ترجمه حمید عنایت و علی قیصری، تهران: خوارزمی.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۷). *پیامدهای مدرنیت*. ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر مرکز.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸). *راه سوم، بازسازی سوسیال دموکراسی*. ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر شیرازه.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۰). «۱۹۸۹ پایان قرن بیستم بود، گفتگو با آنتونی گیدنز»، ترجمه نیکو سرخوش، *کتاب ماه علوم اجتماعی*، شماره ۴۷-۴۸.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۲). *تجدد و تشخیص*. ترجمه ناصر موفقیان، تهران: نشر نی.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۷۴ الف). «دین و اخلاق». *قبسات*، ش ۳.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۷۴ ب). *آموزش عقاید*. قم: سازمان تبلیغات اسلامی.

مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۸۱). *فلسفه اخلاق*. تهران: نشر بین الملل.  
 موحد، مجید؛ نوبخت، احمد (۱۳۸۷). «رابطه دینداری و گرایش به جهانی شدن در میان کارکنان منطقه‌ی ویژه‌ی انرژی پارس»، *مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز*، دوره ۲۷، شماره اول.  
 همیلتون ملکم (۱۳۷۷). *جامعه شناسی دین*. ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر تبیان.  
 یغمایی، محمد تقی (۱۳۸۰). «دینداری نوجوانان و عوامل مؤثر بر آن»، *پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبایی*.

*himmel fab harold (1975). "meastring relitioninvment" social frces vob53 .no4:*

*stark rodny and charles gloch (1970) american piety: the nature of religious commitment university of california press .*

*gabriel o:ww (1995) "political efficacy and trust " oxfordi university press .*

*larsonl "public trust in the pr in dustry and its actor" journal of communication manage ment vol: 11 no 3 2007 .*



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
 رتال جامع علوم انسانی

Research Article

**The Effect of Religiosity on Political Trust in the Islamic Republic of Iran**

**Seyedh Masoume Fahandezh saadi<sup>1</sup>**

Date of received: 2021/12/31

Date of Accept: 2022/04/14

**Abstract**

Trust is one of the important aspects of human relations and creates the context for cooperation among society members. One of the types of trust is political trust, which deals with the relationship between people and the government. People need to communicate with the government to meet their needs, especially to provide security and comfort and participate in community affairs. This need is increasing day by day with the development of societies and the increase of the division of labor and the expansion of abstract systems, so that today it is impossible to completely separate from the political system. Religion is one of the effective factors on political trust that has been emphasized in the theories of classical and contemporary sociologists and social capital theorists. This factor can be investigated more in Iran, where the religious government is established and the involvement of religion in politics is clear. Giddens considers the influence of religion on political trust to be one of the characteristics of traditional societies and mentions the religious obligations of officials in traditional societies, the performance of contact points, basic trust and the government's efforts to ensure the socio-economic well-being of the people as other factors influencing political trust. Max Weber also considers people's religion, values and worldview to inspire their behavior. According to Weber, religion can have a positive effect on the network of trust among people, which is necessary and necessary for relationships and economic exchange. The purpose of this research is to investigate the effect of religiosity on political trust in the Islamic Republic of Iran. Based on the secondary analysis, we have come to the conclusion that the more traditional people are and the more religiosity they have, the more their political trust increases.

**Keywords:** Trust, PoliticalTrust, Religiosity, Fundamental Trust, Secession Trust.

**Citation (APA 6th ed. / APSA)**

Fahandezh saadi, Seyedh Masoume (2022). "The Effect of Religiosity on Political Trust in the Islamic Republic of Iran". *Quarterly Journal of Research in History, Politics and Media*. Vol. 5, Num. 2, S.No. 18, pp. 105 - 128.

---

<sup>1</sup>. PhD student in political science, Shahreza Islamic Azad University, Shahreza, Iran.

Email: s.m.fahandezh2011@gmail.com

Copyright © 2010, KSSI (Karimeh Strategic Studies Institute Of Shiraz). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material.

## References

- Aaron Raymond (1370). *Basic stages of thought in sociology*, translated by Baqer Parham, Tehran: Islamic Revolution Education Publications.
- Anvari Hamidreza (1373). *Research on Destiny*, Master Thesis, Allameh Tabatabaei University, Tehran. (in Persian)
- Atkinson, Araf (1369). *An Introduction to the Philosophy of Ethics*, translated by Sohrab Alavinia, Tehran: Book Translation and Publishing Center.
- Durkheim, Emile (1382). *Primitive forms of religious life*, translated by Nader Salarzadeh, Tehran: Allameh Tabatabai University.
- Fanaei, Abolghasem (1384). *Religion in the balance of ethics*, Tehran: Sarat Cultural Institute. (in Persian)
- Fukuyama, Francis (1379). *The End of Order: A Study of Social Capital and its Preservation*, translated by Gholam Tavassoli, Tehran: Iranian Society Publishing.
- gabriel o: ww (1995) "political efficacy and trust" oxfordi university press.
- Giddens Anthony (1377). *Consequences of modernity*, translated by Mohsen Thalasi, Tehran: Markaz Publishing.
- Giddens Anthony (1378). *The Third Way, Reconstruction of Social Democracy*, translated by Manouchehr Sabouri, Tehran: Shirazeh Publishing.
- Giddens Anthony (1380). *1989 was the End of the Twentieth Century, Interview with Anthony Giddens*, translated by Niko Sarkhosh, *Social Science Month Book*, No. 47-48,
- Giddens Anthony (1382). *Modernity and Personalization*, translated by Nasser Mofaghian, Tehran: Ney Publishing, second edition.
- Hamilton Malcolm (1377). *Sociology of Religion*, translated by Mohsen Thalasi, Tehran: Tebyan Publishing.
- Heidari, Sanaz (1387). *Factors Affecting Political Trust in Government among Students of Sharif University of Technology*, M.Sc. Thesis, Faculty of Social Sciences, Allameh Tabatabaei University.
- himmel fab harold (1975). "Meastring relitioninvment" *social frces vob53* .no4.
- Kant, Emmanuel (1369). *Ethics Metaphysics Foundation*, translated by Hamid Enayat and Ali Qaisari, Tehran: Kharazmi.
- larsonl "public trust in the pr in dustry and its actor" *journal of communication manage ment vol: 11 no 3 2007*.
- Mesbah Yazdi, Mohammad Taghi (1374). *Religion and ethics*, *Qabsat*, (in Persian)
- Mesbah Yazdi, Mohammad Taghi (1374). *Teaching Beliefs*, 13th Edition, Qom: Islamic Propaganda Organization. (in Persian)
- Mesbah Yazdi, Mohammad Taghi (1381). *Philosophy of Ethics*, Tehran: International Publishing. (in Persian)
- Movahed, Majid and Nobakht, Ahmad (1387). *The Relationship between Religiosity and Gratitude to Globalization among Employees of Pars*

- Energy Visa Area, Journal of Social Sciences and Humanities, Shiraz University, Volume 27, Number 1. (in Persian)*
- Panahi Mohammad Hussein (1382). Factors Affecting Women's Political Participation in the Islamic Republic of Iran, (in Persian)*
- Panahi, Mohammad Hassan and Fariba Shayegan (1386). The effect of religiosity on political trust, Quarterly Journal of Social Sciences, Allameh Tabatabai University, No. 37. (in Persian)*
- Patterson Michael et al. (2005). Wisdom and Belief in Religion, translated by Ahmad Naraghi and Ebrahim Soltani, fourth edition, Tehran: New Design.*
- Plato (1380). The period of Plato's works, translated by Mohammad Hassan Lotfi and Reza Kaviani, third edition, Tehran: Kharazmi.*
- Rabbani, Rasoul and Taheri Zahra (2009). Sociological explanation of the degree of religiosity and the effect of social capital among the residents of the new city of Baharestan, Isfahan, Journal of Social Sciences, Faculty of Literature and Humanities, Ferdowsi University of Mashhad. (in Persian)*
- stark rodny and charles gloch (1970) american piety: the nature of religious commitment university of california press.*
- Tusi, Nasir al-Din (1365). Naseri ethics, Tehran: Kharazmi. (in Persian)*
- Yaghmaei, Mohammad Taghi (1380). Adolescents' religiosity and the factors affecting it, Allameh Tabatabai University Master's thesis. (in Persian)*



پروفیسر شہناز گل خان

پروفیسر شہناز گل خان